



مهندس نساجی مالخری می‌کرد

مهندس نساجی که خانه‌اش را پاتوق سارقان غرب تهران کرده بود در جریان تحقیقات مأموران کلانتری ۱۴۰ باغ فیض بازداشت شد.
به گزارش جوان، سرهنگ سیف‌الله نوایی، رئیس کلانتری ۱۴۰ باغ فیض گفت: چندی قبل مأموران کلانتری با طرح شکایت‌های مشابه درباره سرقت سرپالی منازل و لوازم داخل خودرو دست به تحقیق زدند و موفق شدند چند روز قبل یکی از سارقان حرفه‌ای را بازداشت کنند. متهم در بازجویی‌های فنی به سرقت‌های سرپالی اعتراف و تعدادی از همدستانش را به پلیس معرفی کرد و گفت: پاتوق من و دوستانم که همگی از سارقان سابقه دار و حرفه‌ای هستیم در خانه قدیمی حوالی کن است. ما هر کدامان به شیوه‌ای دست به سرقت می‌زنیم و در شیوه خودمان حرفه‌ای هستیم و در کار یکدیگر هم دخالت نمی‌کنیم. مثلاً یکی موبایل قاچی می‌کند و دیگری لوازم خانه سرقت می‌کند و یکی دیگر لوازم داخل خودرو و اموال سرقتی را هم به صاحبخانه قدیمی که مرد میانسالی است، می‌فروشم.

رئیس کلانتری ۱۴۰ باغ فیض در ادامه گفت: پس از اعتراف متهم مأموران دریافتند صاحبخانه مردی به نام شاپور که فوق لیسانس مهندسی نساجی دارد و مدتی است خانه‌اش را پاتوق سارقان غرب تهران کرده است. بنابراین مأموران پس از بررسی‌های لازم با حکم قضایی وارد پاتوق خلافکاران شدند و همزمان با کشف اموال سرقتی صاحبخانه و پنج‌سارق حرفه‌ای و سابقه دار که در آنجا حضور داشتند دستگیر کردند. متهمان پس از دستگیری همه به سرقت‌های سرپالی اعتراف کردند و گفتند که وسایل سرقتی را در قبال مواد مخدر به شاپور می‌فروخته‌اند. شاپور هم در بازجویی‌ها به جرم خود اعتراف کرد و گفت: فوق لیسانس مهندسی نساجی دارم. چند سال قبل معتاد به موادمخدر شیشه شدم و به همین دلیل خانواده‌ام مرا ترک کردند و پس از آن خانه پدری را پاتوق افراد خلافکار کردم. معمولاً سارقان اموال سرقتی را به من می‌فروختند و من هم به آنها موادمخدر می‌دادم. سرهنگ سیف‌الله نوایی در پایان گفت: متهمان پس از تشکیل پرونده برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.



خوردن جگر پس از سرقت

سارق حرفه‌ای که همراه همدستش گوشی تلفن همراه سرقت می‌کرد پس از پایان هر دزدی راهی جگر کی می‌شد که بازداشت شد.

به گزارش جوان، تحقیقات کارآگاهان پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ برای بازداشت دو متهم از مدتی قبل به جریان افتاد. در جریان یکی از شکایت‌ها که ۲۵ اردیبهشت‌ماه در کلانتری ۱۴۷ گلبرگ مطرح شده، آمده بود که دو سارق جوان سربور بر آپاچی سفیدرنگ گوشی تلفن همراه شساکي را در فلکه اول تهرانپارس سرقت کرده و گریخته‌بودند. تحقیقات پلیس حکایت از این داشت که دو سارق به همین شیوه با پرسه در خیابان‌های شهر گوشی تلفن همراه سارقان را سرقت کرده و فرار می‌کنند. با اطلاعاتی که شاکیان در اختیار پلیس گذاشتند مأموران موفق شدند یکی از متهمان را که مجرم سابقه‌داری به نام مصطفی بود، شناسایی کنند. تحقیقات بعدی نشان داد که مصطفی که مردی ۲۵ساله بود، بعد از پایان هر سرقت برای خوردن جگر به یک جگر کی در خیابان پیروزی می‌رفت که چند روز قبل او را بازداشت کردند. مصطفی در بازجویی‌ها به سرقت‌های مشابه اعتراف کرد و همدستش را که پسری ۱۹ساله به نام جمشید بود به پلیس معرفی کرد. او گفت: ما با پرسه در خیابان‌ها به یک شیوه راهم به رهنگدان می‌فروختم. بااطلاعاتی که متهم در اختیار پلیس گذاشت مخفیگاه جمشید هم در پارک بسج شناسایی و ۲۸ دی‌ماه بازداشت شد. او هم در بازجویی‌ها به سرقت‌های سرپالی با همدستی مصطفی اعتراف کرد.

سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان در جریان است.

سر کرده بزرگ ترین باند آدم ربایی که باربودن مردان مشهور از آنها اخاذی های کلان می کردند موفق شده با سپسردن وثیقه ۲میلیارد تومانی از زندان آزاد شسود. متهم روز گذشته در جلسه محاکمه حاضر نشد که این موضوع خشم شاکیان را به همراه داشت.

به گزارش جوان، پرونده دستگیری اعضای باند بزرگ آدم ربایی اسفندسال ۹۶ با شکایت مرد برج‌ساز در پلیس آگاهی تشکیل شد. او گفت: «در غرب تهران ساکن و مشغول کار برج‌سازی هستم روز گذشته وقتی از خانه بیرون رفتم سه مرد جوان سد راهم شدند و خودشان را مأمور پلیس معرفی کردند. آنها به بهانه اینکه حکم جلب مرا دارند با تهدید گاز اشک به زور مرا سوار ماشین کردند و به حاشیه تهران بردند.» شاکی در ادامه گفت: «سه مرد جوان در محل خلوتی کارت عابرنکم را همراه رمز گرفتند و بعد از برداشت ۱۸ میلیون تومان پول از حسابم، ۵۰۰هزار تومان به من برگرداندند تا به خانام برگردم.»
با طرح این شکایت هر سه متهم شناسایی و

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳۵

سرکرده بزرگ‌ترین باند آدم ربایی به جلسه محاکمه نیامد!

دستگیر شدند. یکی از آنها گفت: «من و دوستانم به دستور شخصی به نام پرویز مر تکب آدم ربایی واخادی شدیم. پرویز با شماره ناشناسی تماس می‌گرفت و در ازای پرداخت پول از ما درخواست آدم‌ربایی کرد. در این مدت هر گز پرویز را ندیدیم.»

بنابت این اظهارات، تلاش برای دستگیری متهم اصلی ادامه داشت اما با ناگامی پلیس در شناسایی وی، پرونده آدم‌ربایی و سرقت به شعبه هم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و در اولین جلسه محاکمه‌وی میزهیئت قضایی همان شعبه قرار گرفت اما باصر شاکی برای شناسایی پرویز، متهم اصلی پرونده برای کامل شدن تحقیقات و دستگیری وی به دادسرا فرستاده شد. به این ترتیب تحقیقات در این زمینه از سوی کارآگاهان به جریان افتاد تا اینکه مشخص شد سر کرده باند مرد ۰۷ساله‌ای است که در یکی از ارگان‌های مهم عضویت دارد و پنج مورد سابقه دستگیری و زندان برای جرمی مثل جعل، کلاهبرداری، موادمخدر در پرونده‌اش دارد.

شکایت تازه در پرونده قاتل خواستگار دختر

مرد میانسال که متهم است خواستگار دخترش را به قتل رسانده به عنوان مظنون اصلی در ناپدید شدن شریک کاری‌اش بازجویی می‌شود.

به گزارش جوان، رسیدگی به این پرونده از شامگاه چهارم خردادماه امسال همزمان با اعلام مفقودی مرد جوانی به نام پیروز در دستور کار کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت قرار گرفت.

آن روز خانواده پیروز اعلام کردند پسر ۴۰ساله‌شان صبح روز چهارم خردادماه از خانه بیرون رفته و دیگر برنگشته است. با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی مصطفی واحدی، بازرس شعبه ۱۱ دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران پلیس در نخستین شاخه از تحقیقات دریافتند مرد گمشده برای آخرین بار با پدر دختر مورد علاقه‌اش به نام شهناز تماس داشته است. از سوی دیگر مشخص شد شهناز مخالف ازدواج پیروز با دخترش بوده است، بنابراین شهناز به عنوان مظنون بازداشت شد و در تحقیقات فنی به قتل اعتراف کرد.

وی در ادعایی گفت: دخترم کارمند

خانم را به آن زن دادم و او ظهر روز هفتم دی‌ماه به همراه زن دیگری که همراهش بود به خانم آمد. زن جوان گفت که ۲۰ساله است و سهیلا نام دارد و زنی هم که همراهش بود را اسمیرا معرفی کرد و گفت که او ۳۰ساله است. سهیلا گفت که سمیرا دخترخاله‌اش است که از شهرستان به تهران آمده و قرار است روز بعد به زادگاهش برود.

پیرمرد ادامه داد: بعد از آن بود که سهیلا شروع به کار کرد و مشغول انجام کارهای خانه شد. هنگام صرف شام و و سمیرا درباره محل نگهداری پول و طلاهایم از من سؤال کردند و من هم به آنها اعتماد کردم و محل نگهداری پول و طلاهایم را به آنها گفتم. هنگام خواب هم آنها به اتاقی که برای استراحت مستخدم در نظر گرفته بودم، رفتند. صبح که از خواب بیدار شدم، دیدم که صحنه‌ا را آمپیا کرده‌اند. هنگام صرف صبحانه خودشان چای ساده خوردند و به گیرندگان به توافق رسیدم. بعد از آن، آدرس

شدم تا اینکه فهمیدم شهناز مر تکب قتل شده است.

طرح شکایت تازه

در حالی که دو متهم به زودی قرار است در دادگاه یک کیفری استان محاکمه شوند چند روز قبل خانواده‌ای به دادسرای امور جنایی آمدند و از شهناز به اتهام گمشدن ناگهانی پدرشان شکایت کردند.

یکی از شاکیان گفت: پدرم و شهناز با هم به صورت شراکتی شرکت تعاونی در خرم آباد تأسیس کردند. پدرم مدیر عامل شرکت بود که مدتی بعد با شهناز اختلاف پیدا کرد. ۱۶دی‌سال ۹۷ پدرم برای برگزاری جلسه‌ای به شرکتش رفت تا اختلافاتش را با شهناز حل کند که همان تاریخ به طور ناگهانی ناپدید شد تا اینکه مدتی قبل فهمیدیم شهناز به جرم قتل خواستگار دخترش بازداشت شده است و الان احتمال می‌دهیم او در ناپدید شدن پدرمان دست دوباره باشد. با طرح این شکایت متهم دوباره به دستور قاضی مصطفی واحدی برای بر ملا شدن راز گمشدن مدیر عامل شرکت تعاونی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. تحقیقات از متهم ادامه داد.

من یک دنموش تعارف کردند. لحظاتی بعد از خوردن دنموش بود که ناگهان سرم کجیج رفت و بعد بهوش شدم. شاکی ادامه داد: وقتی به هوش آمدم سهیلا و سمیرا ا دیدم که کارتنی در دست دارند و از خانه خارج شدند. من هم آنها را دنبال کردم و دیدم که سوار یک سواری پراید شده و از محل فرار کردند. با اطلاعاتی که مردم سالخورده در اختیار پلیس گذاشتند کارآگاهان در محل حاضر شده و دوربین‌های مدار بسته محل را بررسی کردند. آنها در جریان بررسی دوربین‌ها بود که موفق شدند شماره پلاک خودروی پراید را به دست آورند. بررسی‌ها نشان داد که راننده سواری پراید راننده تاکسی اینترنتی است که مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت که دو زن جوان را در محله خیابان دماوند پیاده کرده است و اطلاعات دیگری ندارد.

من یک دنموش تعارف کردند. لحظاتی بعد از خوردن دنموش بود که ناگهان سرم کجیج رفت و بعد بهوش شدم. شاکی ادامه داد: وقتی به هوش آمدم سهیلا و سمیرا ا دیدم که کارتنی در دست دارند و از خانه خارج شدند. من هم آنها را دنبال کردم و دیدم که سوار یک سواری پراید شده و از محل فرار کردند. با اطلاعاتی که مردم سالخورده در اختیار پلیس گذاشتند کارآگاهان در محل حاضر شده و دوربین‌های مدار بسته محل را بررسی کردند. آنها در جریان بررسی دوربین‌ها بود که موفق شدند شماره پلاک خودروی پراید را به دست آورند. بررسی‌ها نشان داد که راننده سواری پراید راننده تاکسی اینترنتی است که مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت که دو زن جوان را در محله خیابان دماوند پیاده کرده است و اطلاعات دیگری ندارد.

همچنین مشخص شد متهم هر بار برای آدم‌ربایی تیم جدیدی تشکیل داده‌است.
یادست آمدن این اطلاعات و تلاش کارآگاهان، پنج متهم دیگر شناسایی و دستگیر شدند. متهمان تحت بازجویی قرار گرفتند و یکی از آنها باند، قضات شعبه نهم پرونده را به دلیل اینکه یک حساب ۱۰میلیاردی دارد به همین خاطر از ما کمک خواست. اما اجرای آدم ربایی اطلاعی نداشتیم.» در حالیکه تعداد اعضای این باند به هشت نفر رسیده بود سرانجام سر کرده باند نیز در یک عملیات پلیسی در یکی از باغات جنوب تهران همراه با کشف چندین قبضه سلاح، نقاب و ماسک دستگیر شد.

یادستگیری متهم اصلی و کامل شدن تحقیقات، مشخص شد، آخرین طعمه این باند مدیر عامل یکی از شرکت‌های معروف به نام گل‌بران بوده است که برای آزادی وی، متهمان درخواست ۱۵میلیون دلار و ۱۰میلیارد تومان پول نقد کرده بودند.
با کامل شدن تحقیقات دستگیری دیگر متهمان

اعتراف به قتل فرزند معتاد

مرد میانسالی که پسر معتادش را به قتل رسانده بود با صحنه‌سازی قصد فریب پلیس را داشت اما در نهایت به جرمش اعتراف کرد.

به گزارش جوان، ساعت ۲۲:۲۵ شامگاه چهارشنبه ۲۳بهمن‌ماه قاضی شعبانی، بازرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۲۶ فرجام از مرگ مشکوک پسر جوانی با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی راهی محل شد. تیم جنایی در محل حادثه که خانه قدیمی در محل شمیران نواست با جسد پسر ۲۵ساله‌ای به نام بابک روبه‌رو شدند که به طرز مرموزی به کام مرگ رفته بود. نخستین بررسی‌ها نشان داد دقایقی قبل مرد ۵۰ساله‌ای با آاره پلیس تماس می‌گیرد و اعلام می‌کند که بیرون از خانه بوده و وقتی به خانه‌اش آمد دیده پسر معتادش در خانه فوت کرده‌است.

در حالی که معاینات پزشکی قانونی در محل حادثه نشان می‌داد ۷ساعت از مرگ پسر جوان گذشته‌است، تیم جنایی در تن‌پیمایی از جسد متوجه خراش‌هایی روی گردن بابک شدند که حکایت از این داشت وی در گیر دقت به قتل رسیده‌است. از طرفی هم مأموران در تحقیقات مبتدئی دریافتند یک به خاطر اعتیادش اختلافات و درگیری‌های زیادی با خانواده‌اش داشته به طوری‌که همیشه سر و صای درگیری آنها به گوش همسایه می‌رسیده‌است. در چنین شرایطی مأموران به پدر بابک مظنون شدند و احتمال دادند وی در قتل پسرش دست داشته باشد و بنابراین از وی دوباره تحقیق کردند. متهم ابتدا حرف‌های قبلی خود را تکرار کرد اما در نهایت به قتل پسر معتادش اعتراف کرد. وی گفت: ۱۵سال قبل پسرم به موادمخدر معتاد شد. او هر موادی را امتحان کرد و این اواخر هم شیشه مصرف می‌کرد. خیلی تلاش کردم او را ترک دهم و به همین خاطر چندباری او را در کمپ ترک اعتیاد بستری کردم اما فایده‌ای نداشت. او هر روز من و مادرش را آذیت می‌کرد و به بهانه گرفتن پول با ما درگیر می‌شد. بابک ما را خسته کرده بود تا اینکه چند ساعت قبل دو نفری در خانه تنها بودیم که دوباره با هم در گیر شدیم و من هم او را بدستام خفه کردم. بعد از آن خیلی ترسیده بودم و برای فریب مأموران اقدام به صحنه‌سازی کردم اما الان پشیمان هستم. همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه متهم به دستور قاضی شعبانی برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

مرخصی از زندان برای قتل همسر

مردی که متهم است همسرش را در مرخصی زندان به قتل رسانده است، بازداشت شد.

سرهنگ علی‌اکبر عیسی‌آبادی، فرمانده انتظامی شهرستان ساوه به ایسنا گفت: این پرونده اواخر آذرماه امسال و همزمان با مرگ مشکوک زنی جوان در خانه‌اش به جریان افتاد. در اولین تحقیقات اعلام شد که زن جوان دست به مرگ خودخواسته زد است اما تحقیقات بعدی نشان داد که زن جوان به قتل رسیده‌است. کارآگاهان پلیس در جریان تحقیقات فنی به شوهر این زن که در زندان به سر می‌برد مظنون شدند و او را بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌های فنی اعتراف کرد که همسرش را هنگام مرخصی زندان به قتل رسانده و سوله‌ش بازگشته‌است. فرمانده انتظامی شهرستان ساوه گفت: تحقیقات بیشتر در این باره جریان دارد.



اخاذی در پوشی پلیس برای تأمین هزینه زندگی

مردی که با معرفی خودش به عنوان رئیس اداره پنجم پلیس آگاهی تهران از کسبه میدان شهید ا اخاذی می‌کرد بازداشت شد.

به گزارش جوان، سرهنگ کارآگاه داوود فرد، جانشین پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: ۱۲بهمن‌ماه امسال بود که مردی با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گزارش یک اخاذی اعلام کرد. وقتی مأموران کلانتری ۱۱۰ شهیدا در محل حاضر شدند، شاکی که یکی از کسبه میدان شهیدا بود جزئیات ماجرا را شرح داد. او گفت: مردی میانسال به مغازه‌ام آمد و خودش را رئیس اداره پنجم پلیس آگاهی تهران معرفی کرد. او با ادعای اینکه می‌تواند مشکلاتی مثل کسری خلاق و رفع توقیفی‌را رفع کند، از من پول زور گرفت که از او شکایت دارم. بااطلاعاتی که شاکی در اختیار پلیس گذاشت کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی تهران مأمور رسیدگی به پرونده این روش استفاده کنیم. متهم ادامه داد: با معرفی خودم به عنوان رئیس اداره میدان خراسان شناسایی و ۱۲بهمن او را بازداشت کنند. سهراب ۴۵ساله در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: من بیکار بودم و منبع درآمدی نداشتم برای همین تصمیم گرفتم برای تأمین هزینه‌های زندگی‌ام از این روش استفاده کنم. متهم ادامه داد: با معرفی خودم به عنوان رئیس اداره پنجم پلیس آگاهی کسه را فریب داده و از آنها اخاذی می‌کردم و پول آن را هر صر مفور زندگی‌ام می‌کردم تا اینکه بازداشت شدم. سرهنگ کارآگاه داوود فرد، جانشین پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهم در اداره پنجم پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

آگهی انتقالی شرکت آویژه فیدار ایرسا شیروان

چرداول با مسئولیت محدود به شناسه ملی ۰۶۰۸۲۱۲۰۱۴۰۰۶

به استناد صور تجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۵/۱۲ و به موجب نامه شماره ۱۳۲/۱۰/۳۶۸ مورخ ۱۳۹۸/۷/۱۵ اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ایلام مرکز اصلی شرکت ویژه فیدار ایرسا شیروان چرداول با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۸۹۱ و شناسه ملی ۰۶۰۸۲۱۲۰۱۴۰۰۶ از استان ایلام به استادن مرکزی، شهرستان اراک، بخش مرکزی، شهر اراک، شهرک صنعتی شماره ۱، بلوار امیرکبیر، بن بست شایگان، پلاک ۴۱۸۱ قطعه ۹۴، طبقه همکف کدپستی: ۳۸۱۹۵۴۱۸۱ انتقال یافت و در این اداره تحت شماره ۱۵۴۱۲ در تاریخ ۱۳۹۸/۷/۲۰ به ثبت رسیده است.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی

اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری اراک (۷۷۱۳۶)

آگهی تغییرات شرکت تعاونی اتحادیه شرکت های تعاونی

روستایی شهرستان ماکو به شماره ثبت ۵۹

و شناسه ملی ۰۹۸۰۱۳۹۷۶۸

به استناد صور تجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۳ و نامه شماره ۱۴/۱۸۴/۹۸/۱۳۱ مورخ ۱۴/۱۸۴/۹۸/۱۳۱ اداره تعاون روستایی شهرستان ماکو تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱. حسن آقازاده به شماره ملی ۲۸۳۰۷۴۶۶۰۰ بعنوان مدیرعامل برای باقی مانده مدت مأموریت مدیره انتخاب شد.
۲. کلیه چک‌ها، قراردادها، اسناد و اوراقی که ایجاد تعهد برای اتحادیه نماید و یا تمام و یا قسمتی از حق اتحادیه را منتفی سازد به استثنای مواردی که هیئت مدیره به منظور اداره امور جاری اتحادیه ترتیب خاصی داده باشد پس از تصویب هیئت مدیره با امضای رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل و مهر اتحادیه معتبر خواهد بود، در غیاب رئیس هیئت مدیره نائب رئیس هیئت مدیره حق امضاء دارد ولی اوراق عادی اتحادیه با امضای مدیر عامل صادر خواهد گردید.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان آذربایجان غربی

مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری ماکو (۷۷۱۴۰)